

۱۳) دابة الأرض في الرجعة وفي هذا العالم: ۱۳ - جنبنده زمین (دابة الارض) در رجعت و در این عالم

قال تعالى: (وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ) 1.

حق تعالی می فرماید: (چون سخن بر ایشان محقق گردد، برایشان جنبنده‌ای از زمین بیرون می آوریم که با آنان سخن بگوید که این مردم به آیات ما یقین نمی آوردند)؛.

وقد سئل السيد أحمد الحسن (ع) عن معنى هذه الآية، فأجاب:
از سید احمد الحسن (ع)، معنای این آیه پرسیده شد؛ ایشان (ع) فرمودند:

[.. قال رجل لأبي عبد الله (ع): بلغني أن العامة يقرؤون هذه الآية هكذا: (تُكَلِّمُهُمْ) أي تجرحهم، فقال (ع): (كلمهم الله في نار جهنم ما نزلت إلا تُكَلِّمُهُمْ مِنَ الْكَلَامِ) 2.

... مردی به امام صادق (ع) عرض کرد: به من رسیده است که عامه، این آیه را به صورت «تکلمهم» قرائت می کنند یعنی «تجرحهم» (آنها را مجروح می سازد). حضرت (ع) فرمود: «خداوند با آنان در آتش جهنم سخن بگوید! این آیه نازل نشده مگر به صورت «تُكَلِّمُهُمْ» یعنی از کلام» 3.

1 النمل: 82.

2 بحار الأنوار: ج 53 ص 53.

3 بحار الأنوار: ج 53 ص 53.

وعن الرضا (ع) في قوله تعالى: (أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ)، قال (ع): (علي (ع))⁴.

و امام رضا (ع) در تفسیر آیه (برایشان جنبنده‌ای از زمین بیرون می‌آوریم که با آنان سخن بگوید)؛ فرمود: «حضرت علی (ع) است»⁵.

فالدابة في هذه الآية إنسان، وتوجد روايات بيّنت أنه علي بن أبي طالب (ع)، وهذا في الرجعة، فعلي (ع) هو دابة الأرض في الرجعة يكلم الناس، ويبين المؤمن من الكافر بآيات الله سبحانه. وقبل الرجعة قيام القائم (ع)، وأيضاً له (دابة تكلم الناس)⁶ وتبين لهم ضعف إيمانهم بآيات الله الحقّة في ملكوت السماوات، وهي الرؤيا والكشف في اليقظة، وتبين لهم أنّ الناس على طول مسيرة الإنسانية على هذه الأرض أكثرهم لا يوقنون بآيات الله الملكوتية ولا يؤمنون بالرؤيا، والكشف في ملكوت السماوات، لأنهم قصرُوا نظرهم على هذه الأرض، وعلى المادة، وهي مبلغهم من العلم لا يعدونها إلى سواها، (ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى) النجم: 30⁷.

پس جنبنده در این آیه، انسان است و روایاتی وجود دارد که بیان می‌دارد او علی بن ابی طالب (ع) است و این در رجعت می‌باشد. حضرت علی (ع) جنبنده زمین است که در رجعت با مردم سخن می‌گوید و مؤمن را از کافر به آیات الهی جدا می‌نماید. پیش از رجعت، قیام قائم (ع) قرار دارد و آن حضرت نیز «دابة تکلم الناس»⁸ (جنبنده‌ای که با مردم سخن می‌گوید) است و با رؤیا و مکاشفه در بیداری، ضعف ایمان آن‌ها به آیات حق الهی در ملکوت آسمان‌ها را به ایشان می‌نمایاند و برایشان تبیین می‌کند که مردم در طول مسیر انسانیت بر این زمین،

⁴ العديد من الروايات تشير إلى أنّ دابة الأرض هو علي بن أبي طالب ع في الرجعة، فراجع للوقوف على هذه الروايات: بحار الأنوار ج 53 ص 53، ومدينة المعاجز للبحراني: ج 3 ص 90، وما بعدها وغير ذلك.

⁵ روایات بسیاری وجود دارد که اشاره می‌کنند که منظور از «دابة الارض» علی بن ابی طالب ع و در رجعت است. به این روایات مراجعه نمایید: بحار الانوار ج 53، ص 53 و مدينة المعاجز بحرانی: ج 3، ص 90 و پس از آن و سایر موارد.

⁶ وقد فصل الأستاذ أحمد خطاب القول في هذه المسألة في كتاب (طالع المشرق ودابة الأرض)، فراجع.

⁷ المتشابهات: ج 4 سؤال رقم (145).

⁸ استاد احمد خطاب سخن درباره این مسئله را در کتاب «طلوع کننده مشرق و جنبنده زمین» به‌طور مبسوط بیان کرده‌اند.

غالباً به آیات ملکوتی خداوند یقین ندارند و به رؤیا و مکاشفه در ملکوت آسمان‌ها ایمان نمی‌آورند؛ چراکه آن‌ها نگاه خود را به این زمین و به ماده محدود کرده‌اند و این منت‌های دانش آن‌ها بوده است که سراغ ماسوای آن نمی‌روند: (منت‌های دانش آن‌ها همین است. پروردگار تو به آن کس که از طریق او گمراه می‌شود یا به راه هدایت می‌افتد داناتر است)؛⁹

وعن دابة الأرض الخارجة في زمن الظهور المقدس وردت روايات كثيرة، هذا
مثال منها:

درباره «جنبنده زمین» که در ظهور مقدس خروج می‌کند، روایات بسیاری ذکر شده‌اند از جمله:

عن الإمام الصادق (ع) في كلام طويل: (.. ثم تظهر دابة الأرض بين الركن والمقام فتكتب في وجه المؤمن مؤمن، وفي وجه الكافر كافر، ثم يظهر السفیانی ویسیر بجیشة إلى العراق .. ویخرب الزوراء ویترکها حمماً، ویخرب الکوفة والمدینة .. ثم یرج إلى البیداء ... فتبتلعهم الأرض..)¹⁰

از امام صادق (ع) در حدیثی طولانی روایت شده است که فرمود: «... سپس جنبنده زمین بین رکن و مقام ظاهر می‌شود و بر چهره هر مؤمنی می‌نویسد مؤمن و بر چهره هر کافری می‌نویسد کافر است؛ سپس سفیانی ظهور می‌کند و سپاهش را به عراق گسیل می‌دارد... و زورا را ویران می‌کند و آن را ویران شده رها می‌کند و کوفه و مدینه را خراب می‌کند... سپس به سوی سرزمین بیداء خروج می‌کند... پس زمین، آنان را می‌بلعد...»¹¹

⁹ نجم: 30.

¹⁰ الرجعة - للأستریادی: ص 100.

¹¹ رجعت - استریادی: ص 100.

عن علي بن إبراهيم بن مهزيار، عن الإمام المهدي (ع): (.. فقلت: يا سيدي، متى يكون هذا الأمر؟ فقال: إذا حيل بينكم وبين سبيل الكعبة، واجتمع الشمس والقمر، واستدار بهما الكواكب والنجوم، فقلت: متى يابن رسول الله؟ فقال لي: في سنة كذا وكذا تخرج دابة الأرض من بين الصفا والمروة ومعه عصا موسى وخاتم سليمان لتسوق الناس إلى المحشر...) 12.

از علی بن مهزیار هنگام دیدارش با امام مهدی (ع) روایت شده است: ... عرض کردم: آقای من، این امر چه هنگام خواهد بود؟ فرمود: «آنگاه که میان شما و راه کعبه جدایی افتد و خورشید و ماه با هم جمع گردند و کواکب و ستارگان به آنان پیوندند»؛ پس گفتم: ای فرزند رسول خدا، آن، چه هنگام خواهد بود؟ به من فرمود: «در سال فلان و فلان جنبنده زمین از بین صفا و مروه برمی خیزد، درحالی که عصای موسی (ع) و انگشتری سلیمان (ع) با اوست و مردم را به سوی محشر سوق می دهد» 13.

و واضح جداً أنّ هذه الدابة الالهية هي رجل يخرج قبل الامام المهدي (ع)، وقبل ظهور السفيناني، وقد اتضح أنّ مثل علي (ع) ونظيره في عصر الظهور هو وصي الامام المهدي ورسوله ويمانيه صلوات الله عليه وعلى آبائه وأبنائه الطاهرين. بسیار واضح است که این جنبنده الهی، مردی است که پیش از امام مهدی (ع) و قبل از ظهور سفینانی خروج می کند و واضح شد که شبیه و نظیر علی (ع) در عصر ظهور، همان وصی و فرستاده امام مهدی (ع) و یمانی آن حضرت - که سلام و درود خدا بر او، پدران و فرزندانش باد - می باشد.

12 بشارة الإسلام: ص 236.

13 بشارة الاسلام: ص 236.

ولذا قال السيد أحمد الحسن (ع): [... وقد عبر عن القائم في بعض الروايات بأنه علي بن أبي طالب أو دابة الأرض، وهي لقب مشترك بين القائم وعلي بن أبي طالب]¹⁴.

از همین رو سید احمد الحسن (ع) فرمودند:

... و در برخی روایات از قائم (ع) به عنوان علی بن ابی طالب (ع) یا جنبنده زمین

تعبیر شده و این لقبی مشترک بین قائم و علی بن ابی طالب (ع) است.¹⁵

أما لماذا صار المهدي الأول شبيهاً بجده أمير المؤمنين (ع)، وتطلق عليه بعض ألقابه كما عرفناه في لقب (دابة الأرض)؟

اما چرا مهدی اول شبیه جدش امیرالمؤمنین (ع) است و برخی از القاب ایشان بر او اطلاق شده است، همان گونه که در لقب «جنبنده زمین» چنین دیدیم؟

أوضح السيد أحمد الحسن (ع) في كتاب (مع العبد الصالح) الوجه في ذلك:

سید احمد الحسن (ع) در کتاب «همگام با بنده صالح» در توضیح آن می فرماید:

[عن عباية الأسدي، قال: (سمعت أمير المؤمنين وهو مشنكى - هكذا في المصدر، وقيل: ربما متكى - وأنا قائم عليه يقول: لأبنين بمصر منبراً، ولأنقضن دمشق حجراً حجراً، ولأخرجن اليهود والنصارى من كل كور العرب ولأسوقن العرب بعصاي هذه، قال: قلت له: يا أمير المؤمنين كأنك تخبر أنك تحيي بعد ما تموت؟ فقال: هيهات يا عباية ذهبت في غير مذهب يفعله رجل مني)¹⁶. فالإمام أمير المؤمنين (ع) ينسب الفعل لنفسه مع أنّ فاعله المباشر هو رجل من ولده، فما وجه ذلك؟

¹⁴ الجواب المنير عبر الأثير: ج 6 سؤال رقم (529).

¹⁵ پاسخ های روشنگرانه: ج 6، پرسش 529.

¹⁶ بحار الأنوار: ج 53 ص 59 - 60.

از عبایه اسدی نقل شده که گفت: امیرالمؤمنین (ع) درحالی که «مشنکی» بود در منبع چنین آمده و گفته شده: شاید منظور «تکیه داده» باشد و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم فرمود: «در مصر منبری خواهم ساخت و ساختمان‌های سنگی دمشق را یک‌به‌یک ویران خواهم نمود و یهود و نصاری را از همه سرزمین‌های عرب بیرون خواهم راند و عرب را با این عصای خود هدایت خواهم کرد». عبایه می‌گوید: من به آن حضرت عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! گویی شما خبر می‌دهی که بعد از مردن، بار دیگر زنده خواهید شد؟ حضرت فرمود: «هیئات! ای عبایه تو به راه دیگری رفته‌ای (مقصود من از این سخنان آن‌گونه که تو گمان کرده‌ای نیست). آنچه را که گفتم، مردی از دودمان من انجام خواهد داد». 17.

بنابراین، امام امیرالمؤمنین (ع) انجام این کار را به خودش نسبت می‌دهد و حال آنکه فاعل مستقیم آن، یکی از فرزندان آن حضرت است. این چه مفهومی دارد؟

في هذا كنت قد سألته (ع)، فقلت: ما ورد في كثير من الروايات من أنّ إماماً ما ينسب الفعل لنفسه مع أنه يقصد إماماً آخر من ولده كما ورد في "مكلم موسى"، و"يفعله رجل مني"، فهل صحة النسبة لأنه منه فقط، أم أنّ هناك أمراً آخر؟ وهل له ربط باتحاد أنوارهم في السماء السابعة؟

در این خصوص از سید احمدالحسن (ع) سؤال کردم و گفتم: در روایات زیادی وارد شده که امامی، انجام کاری را به خودش نسبت می‌دهد و حال آنکه منظورش امام دیگری از فرزندان او است؛ همان‌طور که در «مکلم موسی» (سخنگوی موسی) و «يفعله رجل مني» (مردی از من آن را انجام می‌دهد) وارد شده است. آیا

درستی این انتساب، فقط از آن جهت است که وی از ایشان است یا اینکه موضوع دیگری وجود دارد؟ و آیا این قضیه با اتحاد نورهای ایشان در آسمان هفتم مرتبط است؟

فأجابني (ع): وفكك الله، في هذا العالم الجسماني نعم هو منه؛ لأنه من ذريته، وفي السماء السابعة هو منه؛ لأنه دونه وبعض حقيقته [18].

ایشان (ع) در پاسخ من فرمود: «خداوند تو را توفیق دهد؛ در این عالم جسمانی آری، وی از اوست، زیرا از ذریه‌اش می‌باشد. در آسمان هفتم (نیز) از اوست، زیرا وی در مرتبه‌ای پایین‌تر از او و بخشی از حقیقت آن حضرت است» [19].

18 کتاب مع العبد الصالح، أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي ع.

19 کتاب همگام با بنده صالح - از انتشارات انصار امام مهدی ع.